

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: لیلی لینیچ/۱۶ مه ۲۰۲۳
برگردان: شهرام فلاح
فرستنده: علی مشرف
۲۳ می ۲۰۲۳

ناتو چگونه چپ اروپا را اغوا می کند

گسترش ناتو مستلزم یک ستراتیژی مشروعیت دو جانبه است. طوری که ناتو اولاً، امری عادی و غیر قابل توجه، پیش پا افتاده و روزمره تلقی شده و دوم، هم چون چیزی فراتر از هر تردیدی، امری حیاتی و یک خیر اخلاقی مطلق بازمناهی شود. او می گوید که تأثیر این امر، عادی سازی و ستایش همزمان ناتو است: از طرفی چنان به امری بدیهی بدل می شود که لازم نباشد مورد بحث قرار گیرد و از طرف دیگر به امری «وجودی و ضروری» بدل می شود که فراتر از آن است که مورد بحث قرار گیرد.



جنبش ضد جنگ به یک سیرک ترقیخواهی بدل شده است.

در جنوری ۲۰۱۸، "ینس استولتنبرگ"، دبیرکل ناتو، یک کنفرانس مطبوعاتی بی سابقه را با "آنجلینا جولی" برگزار کرد. در حالی که InStyle گزارش کرد که جولی «لباسی مشکی به تن داشت که شانه هایش لخت و با شنلی کوچک و کفش های کلاسیک (مشکی) ست شده بود»، اما نکته مهم تری در این دیدار وجود داشت: خشونت جنسی در جنگ. این زوج مدت کوتاهی قبل مقاله ای تحت عنوان «چرا ناتو باید از حقوق زنان دفاع کند» را در گاردین نوشته بودند. زمان نگارش آن قابل توجه بود. در اوج جنبش #MeToo، قدرتمندترین پیمان نظامی جهان به یک متحد فمینیستی تبدیل شده بود. آن ها در مقاله مذکور نوشته بودند: «پایان دادن به خشونت مبتنی بر جنسیت یک مسأله حیاتی برای صلح و امنیت و همچنین عدالت اجتماعی است». «ناتو می تواند در این مسیر رهبری را به دست گیرد».

این چهره ای جدید و مترقی است که ناتو از خود نشان می دهد، چهره ای که به واسطه آن بسیاری از چپ های اروپائی را فریب داد. پیش از این، در کشورهای شمال اروپا، آتلانتیکی ها مجبور بودند جنگ و نظامی گری را به مردم اغلب صلح طلب بفروشند. این امر تا حدی نه با معرفی ناتو به عنوان یک اتحاد نظامی متجاوز و طرفدار جنگ، بلکه به عنوان یک پیمان صلح آمیز، آزاداندیش و مترقی به دست آمد.

همانطور که "تیموتی گارتون اش" در سال ۲۰۰۲ در [گاردین](#) اظهار داشت، «ناتو به یک جنبش صلح اروپائی تبدیل شده است» که در آن می توان «جان لنون در دیدار با جورج بوش» را تماشا کرد. امروز، در مقابل، پس از تهاجم تمام عیار روسیه به اوکراین، سویدن و فنلاند سنت های دیرینه بی طرفی خود را کنار گذاشته و عضویت در [ناتو] را انتخاب کردند. ناتو به عنوان یک پیمان نظامی - و اوکراین به عنوان یک جنگ - به تصویر کشیده می شود که حتی صلح طلبان سابق نیز می توانند از آن حمایت کنند. به نظر می رسد همه طرفداران آن آهنگ "به جنگ یک فرصت بده" را می نوازند.

کمپین آنجلینا جولی از وجوه مختلف یک چرخش دراماتیک در آن چیزی را به نمایش گذاشت که "کاترین ام. رایت" و "انیکا برگمن روزاموند" از آن به عنوان «روایت ستراتیژیک ناتو» نام می برند. نخست این که ناتو برای اولین بار از قدرت سلبریتی های ستاره استفاده کرد و یک زرق و برق و زیبایی الیستی به برند بی رونق خود اعطا کرد. قدرت ستاره ای جولی به معنای آن بود که تصاویر وسوسه انگیز این رخداد به جماعت غیر سیاسی نیز رسید که کمتر چیزی از ناتو می دانند. دوم به نظر می رسد که این مشارکت آغازگر دوره ای بود که در آن حقوق زنان، خشونت جنسیتی و فمینیسم نقش برجسته تری را در رتوریک ناتو می یافتند. از آن زمان به بعد و به ویژه در ۱۲ ماه گذشته، رهبران زن خوش تصویر از قبیل "سانا مارین" نخست وزیر فنلاند، "آنالنا بربوک" وزیر امور خارجه المان و "کایا کالاس" نخست وزیر استونی، به طور فزاینده ای در مقام سخنگوی یک میلیتاریسم آزاداندیشانه در اروپا ظاهر شده اند. یعنی این که پیمان ناتو بر اشتغال خود با فرهنگ پاپ، تکنولوژی های جدید و اینفلوئنسر های جوان افزوده است.

البته ناتو همیشه نسبت به روابط عمومی آگاه بوده و مدت ها با فرهنگ، سرگرمی و هنر سر و کار داشته است. چه کسی می تواند آلبوم «Distant Early Warning» از گروه الکترونیکی Icebreaker International در سال ۱۹۹۹ را که با بودجه سازمان منقرض شده «NATOarts» ضبط شده و با الهام از ایستگاه های راداری در امتداد آلاسکا و حاشیه شمالی کانادا ساخته شده بود، برای هشدار به ناتو در مورد حمله هسته ئی شوروی فراموش کند؟ یا فلم گزارش گونه HQ، محصول بخش دیپلماسی عمومی ناتو (فلم مرکز فرماندهی ناتو)، که زندگی درون پیمان و پاسخ دیپلماتیک ساختگی به بحران در یک کشور خیالی سیسمانیا را به تصویر می کشد؟ همه این ها بر همگان روشن است. اما آنچه که چرخش ستراتیژیک اخیر ناتو را بسیار مؤثر می کند این است که با موفقیت سنت ها و هویت های محلی مترقی کشورهای نامزد را منعکس کرده است.

هیچ حزب سیاسی در اروپا بهتر از سبزه های المانی چرخش از صلح طلبی نظامی به آتلانتیسیسم سرسخت طرفدار جنگ را نشان نمی دهد. قاطبه سبزه های اولیه در جریان اعتراضات دانشجویی ۱۹۶۸ جزو رادیکال ها بودند. بسیاری از آن ها علیه جنگ های امریکا تظاهرات کرده بودند. سبزه های اولیه از خروج المان غربی از ناتو حمایت کردند. اما به محض این که اعضای مؤسس آن پا به میان سالی گذاشتند، شکاف هائی در حزب ظاهر شد که روزی به از هم پاشیدن آن ها باید منجر می شد. دو اردوگاه شروع به ادغام کردند: «رئالو» ها، سبزه های میانه رو، به لحاظ سیاسی پراگماتیست بودند. «فاندی» ها [بنیادگرایان] اردوگاه رادیکال و سازش ناپذیر بودند. آنها می خواستند که حزب بدون توجه به پیامدهای آن به ارزش های اساسی خود وفادار بماند.

به طور قابل پیش بینی، فاندی ها معتقد بودند که صلح اروپا با خروج المان غربی از این پیمان به بهترین نحو ممکن صورت می گیرد و به بی طرفی نظامی گرایش داشتند. در همین حال، رنالوها معتقد بودند که المان غربی به ناتو نیاز دارد. آنها حتی استدلال می کردند که عقب نشینی، مسائل امنیتی دولت-ملت المان را دوباره مطرح می کند و خطر احیای ناسیونالیسم نظامی گرایانه را به دنبال دارد. در واقع، ناتوی آنها یک پیمان پساملی و جهان وطنی بود که به زبان های متعدد صحبت می کرد و پرچم های زیادی را به اهتزاز در می آورد و از اروپا در برابر مخرب ترین محرک های [درونی] المان محافظت می کرد. اما عضویت در ناتو در پایان تاریخ یک چیز بود و این که المان دوباره به سوی جنگ پیش می رود- ممنوع ترین تابو بعد از جنگ جهانی دوم - کاملاً چیز دیگری.

کوزوو همه چیز را تغییر داد. در سال ۱۹۹۹ - پنجاهمین سالگرد تأسیس ناتو - پیمان ناتو چیزی را آغاز کرد که مرجه کووس [آکادمیسین] آن را «دگرذیسی گفتمانی» نامید. در این معنا، [ناتو] از یک پیمان دفاعی صرف در حال تبدیل شدن به یک پیمان نظامی فعال بود که به ترویج و دفاع از ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، دموکراسی، صلح و آزادی فراتر از مرزهای کشورهای عضو اهمیت می‌داد. بمباران ۷۸ روزه ناتو در آنچه از یوگسلاوی باقی مانده بود - ظاهراً برای توقف جنایات جنگی نیروهای امنیتی صربستان در کوزوو - سبب‌های المان را برای همیشه متحول می کرد.

در یک کنفرانس حزبی پر هرج و مرج در ماه مه ۱۹۹۹ در بیلفیلد، رنالوها و فوندی ها به شدت بر سر بمباران [یوگسلاوی] با هم درگیر شدند. یوشکا فیشر، وزیر امور خارجه سبز، برجسته ترین رنالو، از جنگ ناتو حمایت کرد. به همین خاطر، شرکت کنندگان در کنفرانس به روی وی رنگ قرمز پاشیدند. پیشنهاد فوندی ها توقف بی قید و شرط بمباران بود، که به معنای فروپاشی دولت ائتلافی حزب سبز و سوسیال دموکرات (SDP) نیز می شد. پیشنهاد صلح شکست خورد و جناح ضد جنگ حزب را در هم شکست که حال دسته دسته حزب را ترک می کردند. راه حل میانه روانه رنالوها با اختلاف زیادی [نسبت به پیشنهاد فوندی ها] پیروز شد. به این ترتیب بمباران یوگسلاوی پس از وقفه ای کوتاه، دوباره اجازه ادامه عملیات را دریافت کرد. با حمایت قاطع سبزه‌ها، ۵۸ سال پس از آخرین بمباران هوایی پایتخت صربستان، لوفت وافه [نیروی هوایی المان] بر فراز بلگراد به پرواز درآمد. این اولین عملیات نظامی المان در اروپا پس از جنگ جهانی دوم بود.

پس از آغاز جنگ تمام عیار در اوکراین، آنالنا بربوک، وزیر امور خارجه سبز المان به سنت فیشر ادامه داد و کشورهای دارای سنت بی طرفی نظامی را سرزنش کرد و از آنها درخواست کرد تا به ناتو بپیوندند. او با استناد به **دزموند توتو** بیان می کند: «اگر در وضعیت ناعادلانه، بی طرف باشید، طرف ظالم را انتخاب کرده اید». و سبزه‌ها حتی اعضای متوفی حزب خود، از جمله پترا کلی، نماد ضد جنگ و مدافع دیرینه [جنبش] عدم تعهد که در سال ۱۹۹۲ فوت شد، را احضار و به عروسک خیمه شب بازی خود بدل کرده اند. طوری که سال گذشته، ایوا کویستورپ، یکی از بنیانگذاران سبزه‌ها، **نامه ای خیالی** به پترا کلی در روزنامه فرانکفورتر آگماینه سایتونگ FAZ نوشت. این نامه مواضع اخلاقی پترا کلی را وام گرفته و آنها را وارونه جلوه می دهد تا استقبال سبزه‌ها از جنگ را توجیه کند. کویستورپ از ما می‌خواهد فکر کنیم که اگر کلی امروز زنده بود، حامی ناتو بود. کویستورپ در خطاب به کلی که مدت‌ها است مرده، اظهار داشت: «شرط می‌بندم که فریاد بزنی که صلح‌طلبی رادیکال منجر به باج‌خواهی می‌شود».

در اوایل سال جاری، وزارت امور خارجه فدرال المان نیز «سیاست خارجی فمینیستی» جدیدی را ارائه کرد، که آخرین مورد از چندین وزارت خارجه اروپایی است که این کار را انجام داده است. این جهت گیری جدید که توسط فرانسه، هالند، لوکزامبورگ و اسپانیا نیز پذیرفته شده است، نظامی گری جهانی را با درخشش کاذب رادیکال فمینیستی

ترسیم می کند و دامنه جنگ و امنیت را به روی فعالان حقوق زنان باز می کند. به این ترتیب رهبران جدی فمینیست به آلت دست «مردان قدرتمند» اقتدارگرا تبدیل می شوند.

سویدن اولین کشوری بود که در سال ۲۰۱۴ چنین سیاستی را اتخاذ کرد، و اجازه داد تا فمینیسم دولتی دیرینه اش در خارج از کشور نیز به نمایش گذاشته شود تا به این ترتیب موقعیت اخلاقی جدیدی در عرصه بین المللی به دست آورد. در داخل کشور، مطالب مثبت آتلانتیسیستی در مجلات زنان منتشر می شد. در بخش «ماما»ی روزنامه سویدنی اکسپرسن، که جامعه هدف آن، خوانندگان زن هستند، در مصاحبه‌ای با آنجلینا جولی تأکید شد که ناتو می‌تواند از زنان در برابر خشونت جنسی در جنگ محافظت کند. جولی همچنین تأکید کرد که تفاوت کمی بین امدادگران بشردوستانه و سربازان ناتو وجود دارد، زیرا آنها "به سوی یک هدف می کوشند: «صلح».

مرجه کووس، آکادمیسین، نوشته است که گسترش ناتو مستلزم یک ستراتیژی مشروعیت دو جانبه است. طوری که ناتو اولاً، امری عادی و غیر قابل توجه، پیش پا افتاده و روزمره تلقی شده و ثانیاً، هم چون چیزی فراتر از هر تردیدی، امری حیاتی و یک خیر اخلاقی مطلق بازنمائی شود. او می‌گوید که تأثیر این امر، عادی سازی و ستایش همزمان ناتو است: از طرفی چنان به امری بدیهی بدل می شود که لازم نباشد مورد بحث قرار گیرد و از طرف دیگر به امری «وجودی و ضروری» بدل می شود که فراتر از آن است که مورد بحث قرار گیرد.

گواه این امر همه جا مشهود است. در ماه فبروری، ناتو اولین رویداد [تورنمنت] بازی خود را برگزار کرد. یکی از کارمندان جوان ناتو به استریم محبوب در تویچ ، ZeRoyalViking پیوست تا در بازی «در میان ما» شرکت کند و سر فرصت درباره خطراتی که اطلاعات نادرست برای دموکراسی ایجاد می‌کند، گپ بزند. در میان آنها یک اینفلوئنسر کوهنورد و فعال محیط زیست به نام "کارولین گلیچ" بود. در حالی که آواتارهای فضانورد آنها در یک سفینه فضائی کارتونی حرکت می کردند، آنها با به کار گیری عبارات درخشان در مورد ناتو صحبت کردند. در پایان این رویداد، استریم به تلاشی جهت جذب نیرو تبدیل شده بود: کارمند پیمان در مورد مزایای شغل خود صحبت کرد و بینندگان را تشویق کرد تا وب سایت ناتو را برای فرصت های شغلی در زمینه هائی مانند طراحی گرافیک و ویرایش ویدیو بررسی کنند.

این رویداد بخشی از کمپین "حفاظت از آینده"ی ناتو بود که امسال یک مسابقه داستان گرافیکی برای هنرمندان جوان را نیز شامل می شد. ناتو همچنین دهها نفر از اینفلوئنسرها را با فالوورهای زیادی در YouTube ، TikTok و Instagram جذب کرد و آنها را به دفتر مرکزی در بروکسل برد. اینفلوئنسرها دیگر به اجلاس سال گذشته ناتو در مادرید اعزام شدند، جایی که از آنها خواسته شد تا برای مخاطبان خود به تولید محتوا بپردازند.

چپ اروپائی کاملاً مجذوب این نمایش شده است. پیرو مسیری که سبزهای المان در پیش گرفتند، احزاب اصلی چپ بی طرفی نظامی و مخالفت با جنگ را کنار گذاشته و اکنون از ناتو قهرمان می سازند. این یک عقب گرد حیرت انگیز است. در طول جنگ سرد، چپ اروپا تظاهرات گسترده‌ای را با حضور میلیون‌ها نفر علیه نظامی‌گری به رهبری ایالات متحده و استقرار راکت‌های پرشینگ ۲ و کروز ناتو در اروپا سازماندهی کرد. امروز چیزی بیش از لفاظی های رادیکال توخالی باقی نمانده است. در حالی که تقریباً هیچ مخالفتی با ناتو از جانب چپ در اروپا باقی نمانده، و گسترش خزنده این پیمان فراتر از منطقه یورو آتلانتیک در حال پیش روی است بنابراین می توان گفت که هژمونی آن اکنون تقریباً مطلق است.

<https://unherd.com/2023/05/how-nato-seduced-the-european-left/>